



نشانه های مؤمنان بی نام و نشان در نهج البلاغه/ مناجات شبانه و مجاهدات شجاعانه

از جمله نشانه های مؤمن که در آیات و روایات بر آنها تأکید شده، فراوانی عبادت‌های مرسوم مانند نماز و سجده های طولانی است.

از جمله نشانه های مؤمن که در آیات و روایات بر آنها تأکید شده، فراوانی عبادت‌های مرسوم مانند نماز و سجده های طولانی است. در آیه ای آمده است: «تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که هرگاه این آیات به آنان یادآوری شود، به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می آورند و از کبر و غرور دوری کرده، شبانه از بستر برمی خیزند و خدا را با بیم و امید می خوانند و آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند».

امام علی(ع) در خطبه یکصد و سوم نهج البلاغه می فرماید: ای مردم! به دنیا همچون زاهدان و اعراض کنندگان از آن بنگرید، به خدا سوگند دنیا به زودی ساکنان خود را از میان می برد و هوسبازانی که به آن اطمینان دارند به مصیبت می کشاند. آنچه از دست رفته و پشت کرده هیچ گاه بر نمی گردد و آینده معلوم نیست تا در انتظارش باشیم، شادی آن با اندوه آمیخته، توانائی و استقامت مردان نیرومند در آن به ضعف و سستی می گراید. زیبایی های فراوانش شما را مغرور نسازد، زیرا مدت کمی بیش باقی نخواهد بود. رحمت خدای بر آن کس باد که فکر کند و عبرت گیرد و بینا گردد. به زودی خواهید دانست که گویا آنچه هم اکنون از دنیا موجود است اصلاً نبوده و آنچه از آخرت است همواره خواهد بود هر چیز که به شمارش آید (همچون ساعات عمر) سرانجام پایان گیرد و هر چه انتظارش را دارید خواهد آمد و هر آینده ای قریب و نزدیک است. دانا کیست؟ دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و برای نادانی انسان همین بس که از قدر خویش بی خبر ماند.

مبغوض ترین افراد نزد خدا بنده ای است که خدا او را به خودش وا گذاشته، از راه راست منحرف گشته و بدون راهنما گام برمی دارد، اگر به کشتزار دنیا خوانده شود (اجابت می کند) و برای آن می کوشد و اگر به کشتزار آخرت و نعمت‌های گوناگونش دعوت شود سستی می ورزد گویا آنچه انجام می دهد بر او واجب است و آنچه از آن شانه خالی می کند از دوش او برداشته شده است. دوران آخر زمان و آن زمانی است که از فتنه نجات نمی یابد مگر مؤمنانی که بی نام و نشانند، اگر در حضور باشند شناخته نشوند و اگر غائب گردند کسی سراغ آنها را نمی گیرد، آنها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ها چراغ‌های هدایت و نشانه های روشنند نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز، نه در پی اشاعه (فحش‌اند) و نه مردمی سفیه و لغوگو! اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سویشان باز می کند و سختیها و مشکلات را از آن برطرف می سازد.

ای مردم! به زودی زمانی می رسد که اسلام همچون ظرفی که واژگون شود و آنچه در آن است بریزد واژگون گردد (و مردم حقایق آنرا به کلی فراموش کنند). ای مردم! خداوند به شما ظلم نخواهد کرد و از این نظر به شما تأمین داده است، ولی هرگز به شما تأمین نداده که شما را آزمایش نکند، زیرا خداوند در قرآن فرموده: «ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین» در جریان نوح نشانه هایی است و ما مردم را می آزمائیم.

مؤمن کیست؟

واژه مؤمن، اسمی از اسماء الهی است که در جهان بینی اسلامی، به گرونده به خدا و پیامبران او و پذیرنده شریعت‌های آسمانی گفته می شود که صفت ایمان در او نمایان باشد. در این کاربرد، واژه مؤمن از ریشه امن و اسم فاعل است. با در نظر گرفتن مشتقات واژه امن، این کلمه حدود 231 بار در قرآن کریم به کار رفته است، البته در مجموعه آیات قرآن، ایمان به معنای تسلیم توأم با اطمینان خاطر است، نه اعتقاد و تصدیق؛ چون به دلالت آیات قرآن، فرعون و قومش معتقد بودند آنچه حضرت موسی علیه السلام آورده، از طرف خداست، ولی به آن تسلیم نمی شدند. همچنین، شیطان به خدا و معاد اعتقاد داشت و اهل کتاب هم به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله معتقد بودند، ولی هیچ کدام به این عقیده تسلیم نبودند. بر این اساس، ایمان به معنای تسلیم همراه با اطمینان بوده، مؤمن هم کسی است که به حق تسلیم باشد؛ یعنی اگر شخصی پس از اعتقاد یافتن به خدا، پیامبران الهی و معاد تسلیم عقیده اش شد، به او مؤمن گفته می شود. خداوند در توصیف مؤمنان می فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که به خدا رسول او ایمان آورده اند و در ایمانشان دچار شک و تردید نمی شوند».

عمل به تعهد ایمانی

براساس آموزه های قرآنی، ایمان به خدا امری است که خداوند متعالی بر پایه آن از انسان ها میثاق گرفته است؛ البته در این میان، تنها مؤمنان به این عهد ازلی وفا کرده اند و بقیه مردم در اثر گرفتار شدن به زرق و برق ظواهر دنیا یا افتادن در وادی کفر، آن میثاق را به فراموشی سپرده اند. بر این اساس یکی از رسالت های پیامبران الهی، یادآوری آن میثاق نخستین به انسان

هاست؛ پیمانی که در روز الست گرفته شده است که در آنجا، آدمیان همه به ربوبیت پروردگار عالم شهادت داده اند. در آیه ای می خوانیم: «هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیست، گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این امر غافل بودیم». بر اساس مضمون این آیه، خداوند معرفت خود را در سرشت انسان به ودیعت نهاد تا امکان شناخت و ایمان به او فراهم آید. نیز به دلالت آیات بسیاری، مؤمنان هم به پیمان خود با خدا وفا می کنند و تفاوتی ندارد که شرط وفای به آن عهد، پایداری در باورها باشد یا شهادت در میدان جنگ و... .

توحید خالص

یکی از نشانه های مؤمنان واقعی، توحید خالص و دوری از هرگونه شرک است. نور توحید آن چنان سراسر وجود آنها را پر ساخته که در زندگی فردی و اجتماعی شان، ذره ای ظلمت شرک یافت نمی شود. قرآن کریم در توصیف آنان می فرماید: «آنها کسانی هستند که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند». نیز از قول اسوه توحید، ابراهیم خلیل علیه السلام در مبارزه و احتجاج با نمرو و خورشیدپرستان می فرماید: «من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده است. من در ایمانم به خدا خالص هستم و از مشرکان نیستم». امام علی(ع) هم در توصیف مؤمن تقوایی می فرماید: «خداوند در نظر آنان بزرگ، و غیر او هرچه هست کوچک است». بنابراین، اصولاً زمینه برای پیدایش شرک در اندیشه و عقیده مؤمن فراهم نمی شود؛ زیرا او در هر لحظه و شرایط، تنها خدا را علت حقیقی و واقعی امور می بیند و غیر خدا همه را مخلوق او می شناسد که از خود هیچ توان و نیرویی ندارند و هر چه هست از خداست.

برخورداری از یقین

یقین، یکی از ارکان و عوامل تحقق ایمان است. امام علی علیه السلام می فرماید: «ایمان بر چهار ستون استوار است: صبر، یقین، جهاد و عدالت». نیز ایشان آنجا که ویژگی ها و صفات مؤمنان را برمی شمرد، یکی از مهم ترین اوصاف آنها را یقین می داند و می فرماید: «مؤمنان مانند کسانی اند که گویی هم اینک بهشت را می بینند و در آن از نعمتهایش بهره مند می باشند. نیز آنها به سان کسانی هستند که جهنم را هم اکنون در مقابل چشم خود مشاهده می کنند که چگونه در آن عذاب می کشند». در آیات قرآن کریم هم وقتی به ویژگیهای مؤمنان حقیقی اشاره می شود، بر مسئله یقین تصریح شده است. در آیه ای می فرماید: «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده اند». از مضمون بعضی آیات و روایات چنین برمی آید که: «هر مقدار قلب انسان با نور ایمان روشنایی پیدا کند، به همان مقدار بر بصیرت او افزوده می شود، و هر اندازه که بصیرت افزایش یافت، یقین او استحکام می یابد».

خدادوستی

از جمله اصیل ترین نیازهای روانی انسان، مهرورزی و برخورداری از محبت است و تأمین شایسته این نیاز، نقش مهمی در رشد و کمال آدمی ایفا می کند. در آموزه های دینی، به موضوع مهرورزی بسیار توجه و به آن جهت گیری خاصی داده شده است تا به تحقق کمال واقعی انسان کمک کند. در آموزه های دینی، افزون بر آنکه آمده: «انسان با کسی محشور می شود که او را دوست دارد»، به این حقیقت نیز تصریح گردیده که: «دین و ایمان، چیزی جز حب و دوستی نیست». از سوی دیگر، ارزشمندترین دوستی ها آن است که برای خدا باشد و بهترین کارها، دوستی و دشمنی کردن برای خدای تعالی است.

همچنین قرآن کریم در توصیف مؤمنان واقعی می فرماید: «آنان که ایمان آورده اند، کمال محبت را به خدا دارند». براین اساس در فرهنگ اسلامی، محبت خدا اصل و محور است و دیگر محبت ها، از جمله عشق به انبیا و اولیا و پدر و مادر و فرزند و همسر و دوست و هم نوع، همه در راستای محبت به خدا قرار می گیرد.

دوستی نکردن با دشمنان خدا

یکی از ویژگی های مؤمنان واقعی این است که هرگز با دشمنان خدا، انبیا و اولیا دوستی نمی کنند؛ هرچند این افراد از نزدیک ترین افراد خانواده آنان باشند. قرآن کریم در اشاره به این ویژگی آنها می فرماید: «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند دوست بدارند؛ هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند». نیز بارها در قرآن کریم مؤمنان از دوستی با دشمنان عقیدتی نهی شده اند. امیرمؤمنان علی(ع) نیز در روایتی، ضمن نهی از دوستی با دشمنان خدا می فرماید: «مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی ات را نثار کسی جز دوستان خدا کنی؛ چون هر کس مردمی را دوست بدارد، با آنان محشور می شود».

یاد خدا

قرآن کریم با توجه به آثار مهمی که بر یاد خدا مترتب است، همواره مؤمنان را به یاد خدا فرامی خواند و در یکی از آیات می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید». نیز در توصیف مؤمنان می فرماید: «مؤمنان انسان هایی هستند که هیچ کار و تجارتی دنیایی آنان را از یاد خداوند تبارک و تعالی غافل نمی کند». در اشاره به برکات به یاد خدا بودن،

سخنان روشنگرانه بسیاری از اولیای الهی نقل شده که موارد زیر از جمله آنهاست:

1. نورانیت دل: امام علی(ع) می فرماید: «بر شما باد یاد خدا که نور دل است».
2. آرامش قلب و قدرت روحی: قرآن کریم می فرماید: «تنها با یاد خداست که دل ها به آرامش می رسد».
3. جلب نظر خدا: خداوند در قرآن می فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».
4. بصیرت و بینایی: قرآن کریم می فرماید: «افراد پرهیزگار هنگامی که شیطان آنها را وسوسه می کند، متذکر شده و به یاد خدا می افتند و در همان حال بصیرت می یابند». امام علی(ع) هم در روایتی فرمود: «هر کس خدا را یاد کند، بینا می شود».
5. در امان ماندن از شیطان: امیرمؤمنان(ع) می فرماید: «یاد خدا، ستون ایمان و مصونیت از شیطان است».

عدالت خواهی و عدالت پروری

در قرآن کریم، ستمکاری با شدیدترین عبارت ها و تهدیدها نکوهش و به ستمکاران هشدار داده شده که: «گمان نکنند خداوند از کردار ستمکاران غافل است. خداوند کاملاً آگاه است؛ ولی به آنان مهلت می دهد تا در روز قیامت، آنها را با شدیدترین کیفرها به سزای اعمالشان برساند». بر این اساس، یکی از روشن ترین نشانه های مؤمنان آن است که هرگز به کسی ستم روا نمی دارند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن به دشمنان خود ظلم نمی کند (چه رسد به دوستان)». در فرهنگ قرآن، مؤمن انسانی است که نه تنها به دیگران ستم نمی کند، بلکه همواره درصدد اجرای عدالت و عدالت خواهی است؛ چون خداوند در قرآن بدان دستور داده و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا به عدل و داد برخیزید و به عدالت شهادت دهید. نباید دشمنی با گروهی، شما را بر آن دارد که از رعایت عدالت سرباز زنید. عدالت بورزید؛ چون به تقوا نزدیک تر است و از خدا پروا داشته باشید؛ زیرا به آنچه انجام می دهید آگاه می باشد».

حسن ظن به دیگران

از جمله رذیلت های اخلاقی، بدبینی بی دلیل به دیگران است. این کار زمینه بی مهری، بی اعتمادی و نفاق را در میان مردم جامعه گسترش می دهد. با توجه به این امر، قرآن کریم خطاب به مؤمنان می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از آنها گناه است». امیرمؤمنان علی علیه السلام هم در اشاره به اوصاف مؤمنان می فرماید: «از نشانه های مؤمن، داشتن حسن ظن به مردم است». نیز ایشان در جای دیگر می فرماید: «کسی که از داشتن حسن ظن به دیگران محروم باشد، همواره در حال وحشت از همگان خواهد بود». گذشته از آن، داشتن گمان بد، از جمله اموری است که در کشاندن افراد به سمت گناهان تأثیر به سزایی دارد. امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به کسانی که در محیط خانواده دچار بعضی سوء ظن ها می شوند، می فرماید: «بدگمانی، سوءظن های بیجا و غیرت نشان دادن های بی مورد، زنان پاک را به ناپاکی و زنان بی گناه را به سوی گناه و انحراف می کشاند».

وحدت خواهی

قرآن کریم همواره انسانها را به اتحاد و همدلی فرا می خواند. انبیای الهی نیز پیام آوران بزرگ وحدت و پیوند بودند و همیشه مردم را به همدلی دعوت می کردند. خداوند تبارک و تعالی درموضوع دعوت اهل کتاب، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سخنی که میان ما و شما یکسان است، پابرجا باشیم؛ یعنی جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم». یا در مورد حضرت عیسی علیه السلام می فرماید که درهنگام دعوت یهودیان خطاب به آنها فرمود: «خداوند پروردگار من و شماست. پس او را عبادت کنید که راه مستقیم همین است». در آیه ای به مؤمنان چنین سفارش شده است: «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. پس نعمت خدا را بر خود یاد کنید که وقتی دشمنان یکدیگر بودید، میان دل های شما الفت برقرار کرد تا به لطف او برادران هم شدید». بر اساس این آموزه ها، مؤمنان با دل هایی آکنده از مهر، دست دوستی به سوی یکدیگر دراز می کنند.

فرمانبری از خدا

قرآن کریم یکی از نشانه های مؤمنان را، اطاعت بی چون و چرای خدا و پیامبر(ص) ذکر می کند و می فرماید: «مردان و زنان با ایمان، یار و یاور یکدیگر بوده، امر به معروف می کنند، نماز برپا می دارند، زکات می پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می کنند». نیز قرآن کریم در تمجید از شخصیت والای حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به این صفت بارز او اشاره می کند و می فرماید: «به راستی که ابراهیم پیشوای مطیع خدا و حق گرا بود و هرگز به خدا شرک نورزید». آن گاه در بیان نتیجه و ثمره پیروی از خدا و رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند و در برابر دستورات آنها فروتن

باشد و از مخالفت با آنان بپرهیزد، پیروزمند حقیقی است». در قرآن کریم برای این مسئله، مثال های زیادی ذکر شده است که از جمله آنها، حضرت اسماعیل است که با کمال شهامت حاضر به اجرای دستور خدا گردید و گفت: «ای پدر! مأموریتت را انجام بده، ان شاءالله مرا از شکیبایان خواهی یافت».

عفت

مؤمن، عقیف بوده، به شدت از انجام کارهای ناشایست و گفتن حرف های زشت و شنیدن لغو و بیهوده و دیدن صحنه های حرام پرهیز می کند. در قرآن کریم بارها اهل ایمان به رعایت تقوا و عفت دعوت می شوند که بر سه قسم است:

1. عفت زبان: در آیات قرآن، بر عفت زبان و کم گویی و خوش گویی تأکید شده و یکی از نشانه های مؤمن، عفت زبان بیان شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «مؤمن، طعنه زن، لعنت کننده، بدگو و بدزبان نیست».

2. عفت چشم و دامن: «به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفت دامن داشته باشند؛ این کار برای آنها بهتر است». آن گاه در توصیف مؤمنان واقعی می فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که دامن خود را از آلوده شدن به بی عفتی حفظ می کنند».

3. عفت گوش: مؤمنان همان گونه که به هر کاری اقدام نمی کنند، به هر سخنی نیز گوش فرا نمی دهند. قرآن کریم درباره آنها می فرماید: «اهل ایمان هرگاه سخن لغو، بیهوده و باطلی را بشنوند، از آن روی می گردانند و گوش خود را از شنیدنش می بندند».

نهراسیدن از مرگ

انسان های بی ایمان در عین برخورداری از تمام امکانات رفاهی، از نوعی دلهره و ترس همیشگی به نام مرگ رنج می برند؛ چرا که می دانند روزی به سراغ آنها می آید و تمام خوشی هایشان را تباہ می سازد. اما انسان های با ایمان با توجه به جهان بینی خاصی که دارند، نه تنها از مرگ نمی هراسند؛ بلکه در بسیاری از مواقع، با دیدن برخی صحنه های تهدید کننده ایمان و اعتقاداتشان، برای درامان ماندن از آنها، آرزوی مرگ می کنند. آنها مرگ را نه تنها فنا و هلاکت نمی دانند، بلکه آن را راه ورود به بهشت جاودان و امن و آسایش ابدی می شناسند. آنها مرگ را انتقال از عالم طبیعت به جهان حقیقت می دانند که سرزمین به سعادت جاودان رسیدن انسان هاست. آنان می دانند که مردم پرهیزکار و با ایمان وارد بهشت شده، در جوار قرب الهی به آسایش جاودان خواهند رسید. در برخی از روایات آمده اشتیاق به مرگ که با تقدیر الهی برای انسان رقم می خورد، از جمله نشانه های ایمان است.

جهاد در راه خدا

اسلام همان گونه که به صلح و امنیت بها داده است، در هنگام نیاز، یعنی در مواقعی که از هیچ راه نمی توان دشمنان احکام و ارزش های اسلامی و انسانی را متقاعد کرد که دست از فتنه گری و مخالفت بردارند، به مقابله با آنها نیز اهتمام دارد و برای چنین شرایطی، جهاد را پیش بینی کرده است. جهاد، از جمله مهم ترین ابزارهای آزمایش ایمان افراد است. مؤمنان واقعی که در همه ویژگی ها و کمالات الهی و انسانی پیشتازند، در هنگام ضرورت یافتن جهاد با دشمنان نیز با تمام وجود به دفاع از کیان اسلام برمی خیزند. قرآن کریم به هنگام معرفی جهاد به مؤمنان، از آن به نام تجارت برتر یاد می کند و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا به تجارتی راهنمایی تان کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی بخشد؟ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید. این برای شما (از هر چیزی) بهتر است؛ اگر بتوانید به حقیقت آن پی ببرید».

راضی بودن از خدا

راضی بودن به رضای خداوند، از باور کامل و نهایت فروتنی و تسلیم انسان در برابر پروردگار خبر می دهد. در جهان بینی الهی اسلام، حقیقت بندگی، تسلیم همه جانبه در برابر خدا و مقدرات اوست. بر این اساس یکی از نشانه های مؤمنان واقعی، تسلیم محض بودن در برابر خدا به شمار می آید. روزی شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مؤمن به چه چیزی شناخته می شود؟ آن حضرت فرمود: «به تسلیم بودن در برابر خدا و خشنود بودن به هر آنچه از غم و شادی به او می رسد». امام صادق علیه السلام به نقل از حدیث قدسی از قول خداوند می فرماید: «بنده مؤمنم را به هر حالی که بگردانم، برایش خیر است. پس باید به قضای من راضی باشد، بر بلای من صبر کند و نعمت هایم را سپاس گزارد، تا نام او را در شمار صدیقان ثبت کنم». قرآن کریم به شیوه های مختلف به این حقیقت اشاره می کند؛ از جمله در آیه ای می فرماید: «هیچ مرد وزن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و رسولش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) برگزیند».

امر به معروف و نهی از منکر

انسان های مؤمن گذشته از آنکه همواره مراقب کارهای خود هستند، از روی خیرخواهی و دل سوزی به پند و اندرز دیگران

همت گماشته، آنان را به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها برحذر می دارند. قرآن کریم در توصیف مؤمنان می فرماید: «مردان و زنان مؤمن یار و یاور یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند». نیز در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «خداوند عز وجل مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، دشمن می دارد». به آن حضرت عرض شد که ای رسول خدا! مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود: «کسی که از کارهای زشت نهی نکند». در روایتی از امام علی علیه السلام نیز درباره والایی این فریضه چنین آمده است: «تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره ای در برابر دریاست».

شکرگزاری

قرآن کریم یکی از اوصاف اهل ایمان را شکرگزاری دانسته و می فرماید: «آنان سپاس گزارند». رسول خدا(ص) هم در وصف اهل ایمان می فرماید: «آنان افرادی شکورند». امام صادق(ع) هم می فرماید: «اهل ایمان در نعمت و آسایش سپاس گزارند». مؤمن، نه تنها در قلب خود سپاس گزار نعمت هاست، در زبان نیز سپاس گزار است و بالاتر از آن، در عمل هم نعمت های خدا را به گونه ای به کار می برد که شایسته آن است. نتایجی که شکرگزاری برای مؤمن دارد، در دو مورد تجلی پیدا می کند: نخست آنکه شکرگزاری، سبب ازدیاد نعمتها می شود. در قرآن کریم می خوانیم: «اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است». در مرحله بعد، صفت شکرگزار بودن، سبب کسب فضیلت ها و دوری از رذیلت ها می شود؛ چون سپاس گزاری کامل، جز از راه دوری از گناهان میسر نیست. امام علی علیه السلام می فرماید: «شکر هر نعمت، پرهیز از گناهان است».

مؤمن و امتحان های الهی

یکی از سنتهای الهی، آزمایش مؤمنان است. در قرآن کریم در آیه های گوناگون از ضرورت امتحان بندگان سخن گفته شده است. خداوند در آیه ای می فرماید: «خدا بر آن نیست که شما مؤمنان را بدین حال که اکنون دارید، رها کند، [بلکه می آزماید] تا ناپاک را از پاک جدا سازد». و در آیه دیگر می فرماید: «ما هرچه را بر روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از آنها نیکوکارترند». بر این اساس، مؤمنان در زندگی خود با انواع مشکلات روبه رو می شوند و از آنجا که می دانند همه این امور، با هدف امتحان آنها روی می دهد، در برخورد با همه آنها شیوه مناسبی را پیش می گیرند و یقین دارند که هر یک از این گرفتاری ها و سختی ها وسیله ای برای رسیدن به کمال است. امام عسکری علیه السلام می فرماید: «هیچ گرفتاری و بلایی نیست، مگر آنکه نعمتی از خداوند آن را در میان گرفته است». و رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند بنده مؤمن خود را با بلا و گرفتاری تغذیه می کند، همچنان که مادر فرزند خود را با شیر».

شکیبایی

از آنجا که مؤمنان می دانند همه پیشامدهایی که متوجه آنها می شود، با هدف امتحان ایشان روی می دهد، در نتیجه در برابر همه آن امور صبر را پیشه خود می سازند و می دانند که این صبر در برابر ناملایمات ایمانشان را که یگانه وسیله سعادت ایشان است، استحکام می بخشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بلا و گرفتاری برای مؤمن زیور و برای خردمند کرامت است؛ زیرا گرفتار بلا شدن و شکیبایی و پایداری کردن در برابر آن ایمان را استوار می کند». از این رو، یکی از دستوره های مهم قرآن کریم به مؤمنان، کمک گرفتن از صبر و بردباری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صبر و پایداری را از جمله صفت های مؤمنان برشمرده و می فرماید: «مؤمن در مقابل کسی که به او بدی کرده، بردبار و صبور... و در سختی ها و شداید همواره شکیباست». امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «بر شما باد به صبر؛ زیرا صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن». افزون بر این، به تجربه ثابت شده است در اثر صبر و بردباری انسان به اهداف خود دست می یابد.

هوشیاری

مؤمن در سایه ایمان به خدا و ارتباط ویژه با پروردگار، دارای نوعی فهم و درک خدادادی می شود؛ به گونه ای که می تواند در مقابل امور و حوادث به طور روشن تصمیم گیری می کند واز حيله ها و مکرهای شیطانی رهایی یابد. بدین ترتیب، از چشمانی تیزبین و گوش حق شنو برخوردار می شود و در سایه این بصیرت، هم خود را از انحراف ها و خطرهای فکری نجات می دهد و هم دیگران را با توصیه ها و سفارش های حکمت آمیزش به سعادت و عزت هدایت می کند. در قرآن کریم به این ویژگی مؤمنان به شکل های مختلف اشاره شده است. از جمله پس از بیان سرگذشت عبرت انگیز قوم لوط می فرماید: «در سرگذشت این قوم برای مؤمنان راستین که هوشیار و با فراست هستند، نشانه هایی است که به بسیاری از امور پی می برند». امام باقر علیه السلام نیز با اشاره به این آیه می فرماید: «منظور امت اسلامی است که با شنیدن چنین سرگذشتی متوجه بسیاری از امور شده، از انحراف باز می ایستند» و در ادامه چنین می افزایند: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از فراست مؤمن بپرهیزید؛ زیرا به نور خدا امور را خوب تشخیص می دهد».

استقامت

افراد در برخورد با سختی ها متفاوت اند. بسیاری از مردم در مقابل شدايد، آن چنان که باید نمی توانند مقاومت کنند. در نتیجه

زود تسلیم شده، کنار می کشند. قرآن کریم در توصیف مؤمنان حقیقی می فرماید: آنها به آنچه می گویند عمل می کنند و در مبارزه با دشمن همانند سد آهنین ایستادگی می کنند، و خداوند چنین کسانی که در راه پیکار با دشمن چون سد آهنین هستند، دوست می دارد. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز، آنجا که به اوصاف مؤمنان واقعی پرداخته شده است، در کنار ویژگی های دیگر به صلابت و ایستادگی آنها نیز تصریح و تأکید شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مؤمن از تکه های آهن محکمتر است. تکه آهن هرگاه در آتش نهاده شود، تغییر می کند، اما انسان مؤمن اگر بارها کشته شود، در دلش (اعتقادات و باورهای دینی اش) تغییری پدید نمی آید». امام کاظم (ع) نیز در تبیین همین ویژگی می فرمایند: «مؤمن از کوه سخت تر است؛ زیرا کوه با ضربات تیشه شکاف برمی دارد، اما دین و ایمان مؤمن با هیچ ضربه و آسیبی در خطر نمی افتد. او در سخت ترین شرایط ایمان خود را از گزندها محافظت می کند».

خوش اخلاقی

در آموزه های دینی، به داشتن اخلاق نیکو بسیار سفارش شده است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم پیامبر اسلام را به دلیل این صفت ستوده است؛ آنجا که می فرماید: «همانا تو (ای پیامبر) خلق والا و نیکویی داری». رسول خدا(ص) در سایه برخورداری از رفتار و اخلاق نیکو بود که توانست آیین خود را میان یکی از عقب مانده ترین ملل رواج داده، به بالاترین دره برساند. آن حضرت مؤمن را چنین توصیف کردند: «از میان همه مؤمنان، ایمان کسی کامل تر است که اخلاقش نیکوتر است و با کسان خود بهتر رفتار می کند». علی علیه السلام هم می فرماید: «مؤمن عبوس و ترشرو نیست». همچنین آنحضرت در وصیت به اطرافیانش می فرماید: «ای فرزندانم! به گونه ای با مردم زندگی کنید که وقتی از نظر آنها غایب شدید، مشتاق دیدار شما شوند».

عزت

انسان مؤمن در هر وضعیتی عزت خود را حفظ می کند و هرگز به پستی و ذلت تن نمی دهد. به تصریح قرآن کریم، عزت از آن خدا و رسول و مؤمنان است. از این رو، در روایات گوناگونی وارد شده است که مؤمن حق ندارد به ذلت و پستی تن دهد و خداوند همه کارهای مؤمن را به خودش واگذاشته، ولی اجازه نداده است که ذلیل باشد. بر این اساس بود که وقتی یزید از امام حسین(ع) بیعت خواست، آن حضرت فرمود: «این امر تن دادن به ذلت است و من چون ذلیلان دست بیعت با تو نخواهم داد». امام صادق(ع) نیز در جایی فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن خود را ذلیل کند». پرسیدند: «مؤمن چگونه خود را ذلیل می کند؟» حضرت فرمود: «به سراغ کاری می رود که از او ساخته نیست».

فروتنی

قرآن کریم در توصیف بندگان خاص خداوند، آنها را انسان هایی فروتن و به دور از غرور و تکبر معرفی می کند و می فرماید: «بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و افتادگی و بدون تکبر گام برمی دارند». براساس فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مؤمنان در مقایسه خود با دیگران خویشتن را از همه کس و همه چیز پایین تر می دانند. امیرمؤمنان در این باره می فرماید: «از جمله نشانه های مؤمن واقعی این است که همه را از خود بهتر و شایسته تر می داند». امام صادق علیه السلام نیز در توصیف نشانه های فروتنی مؤمن می فرماید: «از نشانه های انسان مؤمن این است که کار نیک خود را کم می بیند؛ هر چند کارش زیاد باشد و کار خیر دیگران را زیاد می بیند؛ هر چند کم باشد». خداوند از زبان حضرت لقمان به فرزندش می فرماید: «ای فرزند! روی خود را از مردم مگردان و شادمان و با غرور و تکبر بر روی زمین راه مرو و به خود مناز. به درستی که خدا متکبران فخر فروش را دوست ندارد».

سخاوتمندی

انفاق و بخشش به دیگران یکی از صفات پسندیده است و خداوند، اغلب خود را به این صفت معرفی کرده، انفاق کنندگان را می ستاید. در تبیین عظمت رسول اکرم(ص) و معصومان نیز از جمله اموری که از آن یاد شده، صفت ایثار و انفاق است. قرآن کریم در توصیف اهل بیت(ع) می فرماید: «[این خاندان] مردم را بر خود مقدم می دارند؛ هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند». درباره مؤمنان نیز در برخی از آیات آمده است: «مؤمنان پیروز و رستگارند؛ آنان که... زکات را می پردازند». رسول خدا(ص) نیز در معرفی مؤمنان فرموده است: «اهل ایمان در پرداخت صدقه و زکات (که مصادیق مهم انفاق اند) پیش گام بوده، در این کار شتاب می کنند و مستمندان و مسکین ها را اطعام می کنند». امام سجاد(ع) نیز در معرفی نشانه های مؤمنان می فرماید: «مؤمنان حتی در حال پریشانی و تنگ دستی نیز در انفاق و صدقه دادن پیش دستی می کنند».

بهره برداری از عقل و اندیشه

در قرآن کریم به استفاده از نعمت تعقل و اندیشه بسیار تأکید شده است. حتی تصریح شده که بدترین مخلوقات نزد خداوند کسانی هستند که نمی اندیشند. همچنین در آیات فراوانی علل پدیدآیی برخی از وقایع، فراهم سازی زمینه تعقل در انسان ها دانسته شده است. به عنوان مثال، درباره رفت و آمد منظم شب و روز از پی هم می فرماید: «آیا در این امراندیشه نمی کنید» یا درباره عربی بودن قرآن می فرماید: «ما این قرآن را عربی قرار دادیم تا شما بیندیشید».

از جمله اموری که در آموزه های دینی به آن سفارش فراوان شده، توجه به یتیمان است. این کار معمولاً به دو صورت انجام گرفته است. نخست آنکه به مؤمنان توصیه شده مبادا به اموال آنها نزدیک شوند و آنها را به تصرف خود درآورند که این کار مجازات شدیدی در پی دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «به مال یتیم جز به بهترین صورت (اصلاح آن) نزدیک نشوید» و درباره کسانی که با ستم، دست تعدی به مال یتیم دراز می کنند، می فرماید: «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند (در حقیقت) تنها آتش در درون خود می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) خواهند سوخت». سفارش دینی دوم، مهرورزی به یتیمان است که از شرایط انسانیت دانسته شده است. بر اساس روایتی از اخلاق اهل ایمان آن است که بر سر یتیمان دست نوازش می کشند، و حتی بالاتر از این در روایتی تصریح شده که: «آنها به اندازه ای به امور یتیمان توجه و به احوال آنان رسیدگی می کنند که گویی پدر یتیمان هستند».

امانتداری

امانت داری یکی از ویژگیهای پسندیده است که رواج این صفت در جامعه، بسیاری از مشکلات را برطرف ساخته، و امنیت خاطر و آسایش و آرامش روحی افراد را در معاشرت با یکدیگر تامین می کند. در قرآن کریم نیز همواره به ادای امانت تأکید شده است. از جمله در آیه ای آمده است: «خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان شان برگردانید». برای روشن شدن اهمیت امانت داری، همین مقدار بس که امام سجاد علیه السلام فرموده است: «سوگند به خدایی که محمد(ص) را به حق فرستاده است! اگر شمشیری که شمر بن ذی الجوشن با آن پدرم را به شهادت رساند به من بسپارد، آن را به سلامت به او باز می گردانم».

در آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) نیز بر امانت داری به عنوان نشانه اهل ایمان تأکید شده است. خداوند می فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که امانت ها و پیمان ها را رعایت می کنند». پیامبر اکرم(ص) در توصیف مؤمنان می فرماید: «مؤمنان امین امانت های مردم هستند». در جایی نیز به علی(ع) می فرماید: «یا علی! از اخلاق اهل ایمان این است که هرگاه مورد اطمینان و اعتماد مردم واقع شوند و امانتی به آنها سپرده شود در آن خیانت روا نمی دارند».

مدارا

یکی از مصادیق بارز حسن خلق، مدارا با مردم است. در اسلام بر مدارا کردن با مردم، حتی دشمنان تأکید زیادی شده است؛ زیرا این خصلت در ایجاد الفت و نزدیک سازی قلب ها به یکدیگر بسیار مؤثر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به اهمیت و ضرورت مدارا با مردم می فرماید: «همان گونه که پروردگار مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز دستور داده است». آن حضرت درباره رابطه ایمان با مدارا نیز می فرماید: «نیمی از ایمان، مدارا با مردم و نیمی از خوشی زندگی در گرو رفق و ملاطفت با آنان است». امام رضا علیه السلام نیز در توصیف مؤمن واقعی می فرماید: «مؤمن واقعی کسی است که دارای سه سنت برگرفته از خداوند، پیامبر و امام باشد. اما سنتی که باید از پیامبر داشته باشد، خوش رفتاری و مدارا با مردم است؛ زیرا خدای عز و جل پیامبرش را به خوش رفتاری با مردم و مدارا با آنها سفارش کرده است و به او فرموده است: «ای پیامبر! گذشت را در پیش گیر و مردم را به نیکی کردن به یکدیگر فرمان ده».

بندگی

از جمله نشانه های مؤمن که در آیات و روایات بر آنها تأکید شده، فراوانی عبادت های مرسوم مانند نماز و سجده های طولانی است. در آیه ای آمده است: «تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که هرگاه این آیات به آنان یادآوری شود، به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می آورند و از کبر و غرور دوری کرده، شبانه از بستر برمی خیزند و خدا را با بیم و امید می خوانند و آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند». رسول خدا(ص) در این باره به علی(ع) می فرماید: «بیست ویژگی در مؤمن است که اگر در او نباشد، ایمانش کامل نیست: نماز عاشقانه...، مناجات شبانه، مجاهدات شجاعانه، روزه داری در روز و شب زنده داری و... ای علی از جمله صفات و نشانه های مؤمنان عبادت بسیار و روزه زیاد و شب زنده داری طولانی و روزه داری لذت بخش و نماز ترس و گریه های شبانه برای (آمزش) خطاهای خویش است».

توکل

یکی از پایه های ایمان، توکل بر خداست. در آیات و روایات از جمله ویژگی های انسان های با ایمان توکل به خدا دانسته شده است. آنان می دانند که موجودات از خود، قدرت و توانی ندارند و هر چه دارند از برکت و عنایت خداوند است. بر این اساس، در همه لحظه های زندگی تنها به خدا تکیه می کنند و در انجام کارهای خود با وجود بهره برداری از تمام اسباب، ذره ای بر مخلوقات ضعیف - هر چند به ظاهر بزرگ و با عظمت - امید نمی بندند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل هایشان ترسان می گردد. هرگاه آیات او بر آنها خوانده شود، ایمانشان افزون می گردد و آنان تنها به پروردگارشان توکل دارند». و به شهادت قرآن، حضرت موسی علیه السلام به قوم خود توصیه می کرد: «ای قوم

من! اگر به خدا ایمان آورده اید و اهل تسلیم هستید، بر او توکل کنید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز در بیان اوصاف مؤمنان و لوازم ایمان می فرماید: «پنج چیز از لوازم ایمان است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد ایمان ندارد. از جمله آنها واگذاری کارها به خدا و توکل بر اوست».

راستگویی

راستی و راستگویی سبب ایجاد نظم و اطمینان و سرانجام، موجب اتحاد و همدلی مردم با یکدیگر می شود. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم به راست کاران و راست گویان که با عنوان «صادقین» از آنها یاد می کند، وعده بهشت و سعادت داده است. در آیه ای با اشاره به عالم آخرت و روز قیامت می خوانیم: «امروز، روزی است که راستی راست گویان به آنان سود می بخشد. برای آنها باغ هایی از بهشت است که نهرها از زیر درختان آن می گذرد و تا ابد، جاودانه در آن می مانند. هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنان از خدا خشنودند. این رستگاری بزرگی است». در فرهنگ اسلامی یکی از ویژگیهای مؤمنان، راست گویی معرفی می شود. رسول اکرم(ص) می فرماید: «مؤمن زبانش راستگوست و دروغ نمی گوید». در جای دیگری نیز در توصیف مؤمنان به علی(ع) می فرماید: «ای علی! مؤمنان وقتی سخن می گویند، از جاده حق و راست گویی خارج نمی شوند».

بی رغبتی به دنیا

انسان تا زمانی که به لذت معنوی نرسیده است، تصور می کند لذتی بالاتر از لذت های مادی وجود ندارد. اما چون به پروردگار عالمیان نزدیک شد و حلاوت شیرین یاد خدا و مناجات با او را درک کرد، درمی یابد که لذات مادی لذتهای واقعی نیستند و به راحتی از زرق و برق و لذایذ دنیوی روی برمی گرداند. بر این اساس، زهد و بی رغبتی به دنیا یکی از ویژگی های مهم اهل ایمان است. آنان در پرتو معارف الهی به این باور می رسند که دوستی دنیا و مشغول شدن به لذایذ زودگذر آن، امری است که تمام خطاها و تباهی ها از آن ناشی می شود. از این رو، همواره هشدار قرآن را که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! دارایی ها و فرزندانان [که زینت های دنیا هستند] شما را از یاد خدا به خود مشغول نسازد»، آویزه گوش خود می سازند و از آنها به مقدار ضرورت و کفاف بهره مند می شوند. پایبندی به زهد و دل نبستن به دنیا، افزون بر آنکه سختی ها را بر انسان های مؤمن آسان می سازد، از فراهم شدن زمینه بسیاری از گناهان جلوگیری کرده، به استحکام ایمان و اعتقاد ایشان کمک می کند. در نتیجه، روز به روز بر درجات ایمانشان افزوده می شود.